

مسئولیت روزنامه نگاران در ژاپن

نویسنده: خدايار سعيدوزيري

موسسه حقوقی آواي عدالت سروش

«مقدمه»

مروری بر قوانین و نظام رسانه ها و مطبوعات کشورهای جهان و به ویژه کشورهای پیشرفته، همواره یکی از روشهای یافتن راه کارها و شیوه های بهبود وضعیت این عرصه در کشورهای کمتر توسعه یافته است.

آنچه در این نوشتار می آید، در حقیقت نگاهی است به قوانین حاکم بر مطبوعات ژاپن؛ اگرچه ژاپن قانونی تحت عنوان قانون مطبوعات ندارد که تاریخچه آن در بخش انجمن مطبوعات مورد اشاره قرار میگیرد، اما بدیهی است موادی در مجموعه قوانین گوناگون وجود دارند که اصول و استثنائات و در حقیقت حدود آزادی و مسئولیت مطبوعات را مشخص مینمایند.

در سالهای اخیر عرصه ی مطبوعات و رسانه نیز مانند سایر عرصه ها در ژاپن پیشرفت گسترده ای داشته است.

ژاپنی ها اگرچه در حدود ۸۰۰ سال سابقه ی روزنامه نگاری دارند اما برای اولین بار در سال ۱۸۶۲ با انتشار روزنامه ی ژاپنی زبان ((شیمبون)) پا به عرصه ی روزنامه نگاری مدرن گزاردند؛ لیکن رونق انتشار مطبوعات را باید از سال ۱۸۶۸ به بعد دانست، در این سالها به تدریج شهرهای مختلف این کشور از جمله توکیو، کیوتو، ناکازاکی و ... به چاپ

موسسه حقوقی آواي عدالت سروش

روزنامه جات روی آوردند و این روند با روی کار آمدن امپراتوری میجی شدت گرفت. به تدریج این روزنامه ها جای خود را در میان مردم باز کرد و دو روزنامه ی ((یومیوری شیمبون)) که در سال ۱۸۷۴ در توکیو به راه افتاد و روزنامه ی ((آساهی شیمبون)) که در سال ۱۸۷۹ در اوزاکا پا به عرصه گذاشت، گوی سبقت را از رقبا ربودند و به روزنامه های پرفروش میان مردم ژاپن بدل گشتند. اما در این دورانها هنوز قانونی برای انتشار روزنامه جات وجود نداشت. افزایش روابط ژاپن با کشورهای غربی، به ویژه پس از جنگ جهانی دوم و استقرار نیروهای آمریکایی در این کشور، سبب شد که ژاپنی ها به فکر تاسیس نشریه ای انگلیسی زبان برای بیان افکار و نظراتشان و انعکاس آنها در غرب افتادند و در نتیجه در سال ۱۹۴۰ نشریه ای انگلیسی زبان به نام (نیهون شیمبون کیوکای^۱) به صورت سالنامه تاسیس شد.

در ژاپن آزادی بیان و مطبوعات وجود دارد و نشریات، روزنامه نگاران و به ویژه نهادهای مدنی از این آزادی حراست و حفاظت میکنند. در حقیقت آزادی بیان و مسئولیت اجتماعی ناشی از آن و رعایت موازین اخلاقی و قانونی توسط روزنامه نگاران دو روی یک سکه اند و لازم و ملزومند؛ چراکه دلیل اعتماد فراوان مردم به مطبوعات، صداقت و عدم درج اکاذیب است.

حال به بررسی مقررات حاکم بر مطبوعات و فعالیتهای ارباب جراید در مجموعه های گوناگونی از قوانین ژاپن میپردازیم؛ چرا که چنان که بیان شد این کشور قانون مستقلی برای مطبوعات ندارد و قوانین آن در مجموعه قوانین کیفری و مدنی و ... پراکنده است.

این نام امروز برای انجمن مطبوعات ژاپن استفاده میشود: 1-Nihon shimbun kyokai

قوانین متعددی وجود داشت که در عمل آزادی مطبوعات را محدود میکرد. در حالی که قانون اساسی جدید این کشور، با داشتن تجربه ی پیشین، در اصل ۲۱ خود تصویب هر قانون ناقص آزادی مطبوعات را ممنوع کرده است.

در این اصل قانون اساسی بیان میدارد: "آزادی اجتماعات و انجمنها و نیز آزادی بیان، مطبوعات و دیگر شیوه های ابراز عقیده تضمین گردیده است. هیچگونه سانسوری اعمال نمیشود و محرمانه بودن راههای برقراری ارتباط مصون از تعرض خواهد بود."

البته باید توجه داشت که آزادی مذکور در این اصل مطلق و مصون از تعرض نیست. بلکه در تعادل نسبی با ملازمات رفاه و آسایش عمومی^۱ قرار دارد و مستند آن نیز اصول دوازدهم و سیزدهم قانون اساسی است؛ چنانکه در اصل دوازدهم بیان میدارد: "آزادبها و حقوقی که قانون اساسی برای مردم تضمین کرده است، با کوشش مستمر مردم حفظ خواهد شد. مردم از هرگونه سوء استفاده از این آزادیها و حقوق خودداری خواهند کرد و همواره از آنها در جهت رفاه عمومی استفاده خواهند نمود." و در اصل سیزدهم نیز اینگونه ذکر شده است که: "در امر قانونگذاری و سایر امور حکومتی، حق حیات، آزادی و رفاه آنان در حدی که مخل رفاه عمومی نباشد، مورد توجه کامل خواهد بود."

1-Public welfare

بدیهی است که یکی از مظاهر تضمین آزادی مطبوعات، تضمینات دادرسی برای ارباب جراید است و این امر مهم در اصل ۸۲ قانون اساسی ژاپن مور توجه قرار گرفته است و اظهار شده است: "محاكمه و صدور حكم دادگاهها به صورت علنی میباشد؛ هرگاه دادگاهی به اتفاق آراء حكم دهد كه علنی بودن محاكمه با اخلاق یا نظم عمومی مغایر است، محاكمه به صورت غیر علنی انجام خواهد شد. اما رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی یا در مواردی كه در آنها حقوق مردم، مندرج در فصل سوم قانون اساسی مطرح باشد، محاكمه همیشه علنی خواهد بود."

به این ترتیب این قانون اصل علنی بودن را برای جرایم مطبوعاتی و سیاسی تضمین نموده است.

***مقررات در خصوص جمع آوری و گزارش اخبار و رویدادها

مسئولیت ناشی از افشای اسرار ملی و گزارشهای خبری

براساس قانون امور رسمی دولت^۱، قانون دفاع از خود^۲ و قانون امور رسمی محلی^۳ افراد نباید اسراری را كه در دوره ی خدمت خود از آن آگاه شده اند، افشاء نمایند. این قانون در مورد همه مقامات دولتی اعم از اینکه در حال خدمت باشند یا بازنشسته شده باشند، اعمال میشود. (ماده ۱۰۰ قانون امور رسمی دولت).

باید توجه داشت چون این قانون مربوط به سوء رفتار مرتبط با شغل است، دایره ی اجرایی آن فقط محدود به کارمندان دولت است. اما ممكن است خبرنگار و روزنامه نگار نیز به سبب اغواء و تحریک کارمند، متهم به معاونت در جرم شود؛

1-Government Officials law

2-Self-defense forces law

3-Local Officials law

اما به هر حال متهم اصلی باید کارمند دولت باشد تا مشمول این قانون گردد. در خصوص معاونت در جرم از سوی روزنامه نگاران، حتی موردی بوده است که روزنامه نگار به جرم اغواء و تحریک به اعدام محکوم شده است!!! (حکم دادگاه عالی در مورد افشای اسرار دولتی از یک کانال رسمی وزارت خارجه؛ ۱۹۷۸/ May /۳۱).

در ادامه ماده ۱۰۰ قانون مذکور، اینگونه آمده است که: حتی اگر کارمند دولت در خصوص موضوعی شاهد امری بوده است و به حکم قانون باید در دادگاه شهادت دهد و در این شهادت مجبور به افشای اسراری از کار خود میباشد، باید از رئیس خود کسب اجازه نماید.

به موجب ماده ۵۹ قانون دفاع از خود (Self-defense forces law) نیز کارمندان متعهد به حفظ اسرار و اطلاعات محرمانه اند و حق ندارند برای دفاع از خود، اطلاعاتی که به سبب وظایف خود در اختیار دارد فاش نمایند و در صورت نیاز به شهادت نیز باید از مدیرکل خود کسب اجازه نمایند.

در نهایت ماده ۳۴ قانون امور رسمی محلی (Local officials law) نیز به ذکر همین مطلب میپردازد و ممنوعیت افشای اطلاعات کاری کارمند را اعم از زمان خدمت و بازنشستگی میداند و در صورت الزام به شهادت نیز مانند دو قانون قبلی اجازه ی مقام ارشد را ضروری میداند.

چنانکه میبینیم در هر سه قانون، بر اهمیت حفظ اسرار دولتی توسط کارمندان تاکید شده است و این لزوم کسب مجوز از مقام ارشد قرینه ای است بر اینکه این قوانین تنها حاکم بر کارمندان است نه دیگرانی که خارج از سیستم اداری هستند.

جز این قوانین، قانون مستقلی که به طور کلی به محافظت از اسرار ملی و جلوگیری از افشای آن از طرق مختلف از جمله مطبوعات بپردازد، بعد از جنگ جهانی دوم در ژاپن به تصویب نرسیده است؛ اما مقررات کیفری ویژه ای برای حفاظت از اسرار نیروهای نظامی آمریکایی مستقر در ژاپن وجود دارد و در ماده ۶ خود بیان میدارد: هرکسی که به شناسایی و جمع آوری اطلاعات امنیتی در مورد نیروهای مسلح ایالات متحده در ژاپن (اعم از اسناد، عکس و... که جنبه عمومی ندارد) بپردازد، چه هدف وی ورود صدمه به امنیت این نیروها باشد و چه به صورت غیر عمد خساراتی وارد آورد، به حداکثر ۱۰ سال حبس محکوم میگردد. همچنین در بند دو همین ماده نیز اظهار شده است که چنانچه شخصی این اطلاعات را برای دیگری فاش نماید، بدون آنکه خود از آن استفاده نماید، هم فاش کننده و هم استفاده کننده به مجازات مقرر در بند ۱ (۱۰ سال حبس) محکوم میگردد؛ ضمناً شروع به این جرم نیز جرم شناخته شده و قابل مجازات است.

آنچه بیا شد بدین معناست که چنانچه روزنامه ای به انتشار چنین اطلاعاتی بپردازد، مشمول این قانون خواهد بود و مدیر مسئول روزنامه به مجازات مقرر محکوم میگردد؛ حتی اگر دیگری این اطلاعات را در اختیار روزنامه قرار داده باشد. این مطلب در سایر معاهدات بین ژاپن و آمریکا نیز مورد تاکید قرار گرفته است.

مسئولیت ناشی از افشای منبع خبر

اصل حق عدم افشای منبع خبری، مدتهاست که در ژاپن تثبیت شده است؛ همچنانکه حق امتناع از شهادت در خصوص اسرار کاری در موادی از قانون جزا (ماده ۱۴۹) و قانون مدنی (ماده ۲۸۱) به رسمیت شناخته شده است. البته در عمل

استثنائاتی نیز بر این حقوق وارد آمده است؛ برای مثال، با وجود آنکه قانون مجازات ژاپن، در ماده ۱۴۹ استفاده از حق امتناع از افشای اسرار حرفه ای را برای طبقات و مشاغل مختلف مانند: پزشک، ماما، وکیل، روحانیون و... به رسمیت شناخته است؛ در جریان یک پرونده کیفری، روزنامه نگاری به استناد همین ماده از افشای منبع خبری خود امتناع کرد و دیوان عالی کشور در تاریخ ۶ / اوت / ۱۹۵۲ حکمی صادر کرد و طی آن اعلام نمود که این قانون در مورد این روزنامه نگار اعمال نمیشود!!!!

بنابراین در مواردی بنا به مصالح جامعه این حق توسط دادگاه نقض میگردد. به همین سبب برخی از افراد اصرار دارند که مجوز امتناع از افشای منبع خبری توسط روزنامه نگاران باید به طور خاص و صریح وارد قانون شود؛ اما اکثریت معتقدند که بهتر آن است که این قاعده به صورت یک قاعده اخلاقی بماند تا در موقع لزوم توسط نهادهای حکومتی قابل کشف باشد.

مسئولیت ناشی از افتراء و هتک حرمت

گزارش حوادث و به خصوص جرائم یکی از کارکردهای عمده ی گزارشهای خبری است. حال سوال مهم و قدیمی در ارتباط با گزارش جرائم این است که تا چه حد باید آبرو و احترام شخص یا اشخاص درگیر در ارتکاب جرم حفظ شود و چگونه باید میان آزادی مطبوعات و حفظ حرمت این اشخاص تعادل برقرار کرد.

در این خصوص ماده ۲۳۰ قانون مجازات ژاپن در خصوص اتهام توهین، در مواردی که یک واقعیت مرتبط با منافع عمومی گزارش شده است به روزنامه ها مصونیت اعطا میکند. هدف از این قانون نیز آسایش خاطر روزنامه ها

درگزارش حقایق بوده است. اما همواره این نگرانی وجود دارد که آنچه منتشر شده، واقعیت است یا تصورات نویسنده؟! و آیا همیشه میتوان حقیقت بودن آنرا اثبات نمود یا خیر؟!

سالها موضع دیوان عالی کشور ژاپن این بود که روزنامه ها در مورد اتهاماتی که به متهمان فراری وارد میاورند، مسئولیتی ندارند، حتی اگر آنچه بیان شده است حقیقت نداشته باشد! آنها این عدم مسئولیت را براساس قاعده ی اقدام توجیح می نمودند و حتی در ۲۵ ژوئن ۱۹۶۹، دیوان عالی کشور اینگونه رای داد که چنانچه شخصی مدعیست گزارشی منجر به بدنامی وی شده است، تا زمانی که دلیل کافی بر نادرست بودن گزارش ارائه نداده است، افترا به رسمیت شناخته نمیشود.

این رای مورد استقبال روزنامه ها قرار گرفت، چراکه آزادی بیان را به خوبی تامین میکرد.

اما به سبب برخی اشکالات ناشی از این آزادی در بیان، ماده ۲۳۰ قانون مجازات به تصویب رسید که به موجب آن کسی که به اعتبار دیگری با ادعای بیان حقایق در ملاءعام، صدمه بزند، صرف نظر از اینکه آیا آنچه واقعیت مینامد درست است یا غلط، به خدمات اجباری یا حبس حداکثر به مدت سه سال و یا تا هزارین جریمه نقدی محکوم میشود. البته در ادامه بندهای دوم و سوم ماده ۲۳۰ قانون مجازات با اشاره به وضعیتی که متهم از مقامات دولتی و سیاسی باشد، مقررات خاصی پیش بینی میکند، به این معنا که مسئولیت روزنامه ها در درج مطالب کمتر میشود. اما به سبب اعتراضات به محدود شدن آزادی بیان، ماده ۲۳۰ مکرر به تصویب رسید که طی آن بیان داشته شد، مجازات مقرر در ماده ۲۳۰ در صورتی اعمال می گردد که هدف فرد از آنچه بیان داشته است ارتقاء آسایش و نفع عمومی نبوده باشد.

در قانون مدنی نیز در ماده ی ۷۰۹^۱ افترا به اشخاص به عنوان یک عمل غیرقانونی شناخته شده است؛ قانون مجازات با هدف جلوگیری از تکرار جرایم مشابه، به مجازات مرتکب میپردازد، اما در قانون مدنی ذکر این مبحث برای جبران خسارت وارده به فرد مورد افتراست.

مبارزه با فعالیت‌های خرابکارانه

برای مبارزه با فعالیت‌های خرابکارانه، در قانون مجازات برای مرتکبین اعمال خرابکارانه، فعالیت‌های شورشی و دعوت، تحریک یا کمک به اقدامات تهاجمی است. مواد قانونی با اشاره به فعالیت‌های مطبوعاتی، در کنار تحریک و ترغیب، جرم تبلیغ را با استفاده از اسناد و وسایل گرافیکی، رادیویی، بی سیم، کابلی و تلویزیون محقق میداند. علاوه بر این، سازمانهای درگیر در اقدامات خرابکارانه، از چاپ و توزیع مجلات و روزنامه جات ممنوع میباشند.

از ابتدای تصویب این قانون همواره مطبوعات جهان با انتقاد از آن آرا اِزاری می دانستند که ممکن است برای کنترل و محدود کردن آزادی بیان استفاده شود، اما تاکنون در خصوص مطبوعات اعمال نشده است.

مسئولیت ناشی از افشای جرائم اطفال

ماده ۶۱^۲ قانون جرائم اطفال، در خصوص انتشار مقالات و مطالب درباره جرائم ارتكابی اطفال است. هدف از این قانون حمایت از اطفال و امکان بازسازی آینده ی آنان است و روزنامه ها نیز معمولاً به روح این قانون احترام میگذارند و در واقع به صورت داوطلبانه آنرا رعایت میکنند. مثلاً عکس مجرمین زیر بیست سال را منتشر نمیکنند، مگر در شرایط

۱-ماده ۷۰۹ قانون مدنی: هرکس که عمداً یا تسامحاً حق دیگری را نقض نماید، موظف است خسارت ناشی از آنرا جبران نماید.

۲-ماده ۶۱: اطفال: با توجه به اینکه جرم توسط نوجوان ارتكاب یافته است و انتشار عکس او به عنوان فرد مرتکب موجب شناسایی او به عنوان مجرم میسر؛ ذکر نام، سن، شغل و خانه و محل وی در نشریات و روزنامه ها ممنوع می باشد.

استثنایی که منافع جامعه مهمتر از حمایت از اطفال است؛ مانند وقتی که جرم طفل از جرائم شدید است، مانند ایجاد آتش سوزی یا ارتکاب قتل که روزنامه‌ها در جستجوی مجرم همکاری میکنند و برای یافتن وی اقدام به درج عکس وی می‌نمایند.

مسئوبت ناشی از انتشار مطالب مستهجن و زشت

قانون مجازات ژاپن مقرراتی را در بر دارد^۱ که در مواردی که بیان توهین آمیز یا مستهجن باشد آزادی بیان را محدود مینماید. البته روزنامه‌ها به لحاظ رعایت کدهای اخلاقی خود را ملزم به خودداری از درج مطالب مستهجن میدانند و به همین سبب نیز میتوان گفت تاکنون هرگز روزنامه‌ای در پرونده‌ای به این اتهام درگیر نشده است و اغلب دعاوی در خصوص کتاب و فیلم‌های ویدئویی بوده است؛ اما از آنجا که مفهوم زشتی به خودی خود چندان روشن نیست، بعضاً به نقطه‌ی اختلافی در دادگاهها بدل میشود.

رویه‌ی دیوان عالی در این خصوص نشان از آن دارد که مطالب محرک جنسی که ضرورتی نسبت به درج آنها نیست و مطالب شرم آور جنسی را مشمول عنوان مستهجن و زشت^۲ میدانند.

۱- ماده ۱۷۵ قانون مجازات: هرکس که به توزیع یا فروش نوشته یا تصویر ناپسند و زشتی در منظر عموم بپردازد، به دو سال خدمت عمومی یا پنج هزار ین جریمه نقدی محکوم میشود.

2-Obscene

مسئولیت‌های لازم الرعایه در آگهی‌ها و تبلیغات

آگهی‌های روزنامه نیز مانند سایر مندرجات (اعم از متن، عکس و...) مشمول اصل آزادی بیان است و جز در مواردیکه مشمول محدودیت‌های قانونی باشد، قابل تحدید نیست. مثلا اگر در یک آگهی به کالای دیگری افتراپی وارد شود، مشمول ماده ۲۳۰ قانون مجازات ژاین خواهد بود که ذکر آن رفت؛ یا اگر در آگهی از عکس مستهجنی استفاده شود، مشمول ماده ۱۷۵ خواهد بود و از انتشار آن جلوگیری به عمل می‌آید.

همچنین قانون مجازات ژاین در خصوص رقابت غیر منصفانه نیز مجازات وضع نموده است^۱؛ بنابراین اگر در تبلیغات تجاری، اشخاص به تخریب و تبلیغ منفی علیه دیگری پردازند، مشمول آن خواهند بود و علاوه بر مجازات، براساس ماده ۷۲۲ قانون مدنی نیز ملزم به جبران خسارت زیان‌دیده هستند.

انتخابات و مطبوعات

گزارش انتخابات براساس ماده ۱۴۸ قانون انتخاب مقامات عمومی انجام میشود. اگرچه این قانون تبلیغات نامزدها را محدود به روش‌های چندی از جمله استفاده از پوسترها مینماید، اما ماده ۸ این قانون آزادی روزنامه نگاران در گزارش و اظهارنظر در مورد انتخابات را به رسمیت میشناسد. بنابراین تا زمانی که روزنامه اطلاعات نادرست منتشر نکند و یا به

ماده ۲۳۳ قانون مجازات: هرکس با گزارشها و مطالب جعلی و نادرست به اعتبار دیگری لطمه وارد نماید و یا مانع از کسب و کار وی شود به حداکثر سه سال خدمت اجتماعی یا هزار ین جریمه نقدی محکوم میگردد.

تحریف حقایق و اظهارنظر بر پایه ی داده های نادرست پردازد، در بیان دیدگاههای احزاب و شخصیت ها و اعلام سوابق نامزدها یا حمایت از آنها آزادند.

حتی اگر گزارش یا مطلب یک روزنامه به نفع یا به ضرر یک حزب یا نامزد خاص باشد، آزادی روزنامه در محدوده ی آزادی های تضمین شده در ماده ۱۴۸ قرار دارد و هیچ مسئولیتی برای آن روزنامه ایجاد نخواهد شد.

روزنامه ها فضایی را که به احزاب و نامزدهای مختلف اختصاص میدهند، براساس ارزش خبری ای که خود برای آن قائلند متفاوت است و بعضا اعتراض احزاب را به استناد خدشه به عدالت انتخابات در پی دارد، اما تاکنون چنین اعتراضی از سوی دادگاه مقبول واقع نشده و این امر در حوزه ی تشخیص و آزادی عمل روزنامه دانسته شده است.

در اغلب موارد مرجع رسیدگی به رعایت یا عدم رعایت این مقررات انجمن مطبوعات ژاپن است که در ادامه شرح آن می آید.

مسئولیتهای ناشی از کپی رایت

اخبار و عکسهای منتشره در روزنامه ها را میتوان به سه بخش کلی از لحاظ کپی رایت طبقه بندی نمود:

۱- مطالبی که مشمول کپی رایت نیست.

۲- مطالبی چون گزارشها و مقالات دانشگاهی که تحت پوشش کپی رایت هستند، اما به منظور اهداف اجتماعی و عمومی

میتوان اقدام به انتشار آنها نمود.

۱- ماده ۳۹ قانون کپی رایت: سردبیران روزنامه ها (به استثنای شخصیت های علمی) میتوانند اقدام به باز انتشار مطالب سیاسی و اقتصادی مندرج در روزنامه ازند. (به استثنای مواردی که مشمول حمایت کامل کپی رایت هستند).

۲- مطالب خبری تحت پوشش و حمایت مطلق کپی رایت

بنابراین این تقسیم بندی، انتشار موارد اول و دوم موجب مسئولیت نخواهد بود، اما مورد سوم مشمول قانون کپی رایت است و روزنامه ها حق ندارند بدون توجه به قانون کپی رایت اقدام به درج این مطالب نمایند.

در میان این سه مورد، مورد اول، شامل اخبار مستقیم و گزارش تحولات است، مانند: تحرکات اشخاص، اعلام فوت افراد، خبر تصادفات رانندگی و مورد دوم به مطالبی اشاره دارد که در اصل باید مشمول حمایت کامل قوانین کپی رایت باشند، اما به دلیل اهمیت رعایت منافع عمومی، امکان انتشار گسترده این مطالب از طریق باز انتشار آزادانه ی آن فراهم میگردد؛ لیکن مورد سوم چنانکه بیان شد به طور مطلق مشمول حمایتهای کپی رایت است و جز با رعایت آن نمیتوان اقدام انتشار آن نمود، از جمله این مطالب میتوان به تفاسیر خبری، مقالات تحلیلی، عکسهای خبری، طرحها و... اشاره نمود.

باید توجه داشت که روزنامه ها هم زمان با بهره مندی از مزایای کپی رایت، ملزم به رعایت کپی رایت دیگران نیز هستند.